

۱۳۱۸/۱۲/۲۴

بسمه تعالی

۶۶۴۷
۵۷۱۲۱۵

۱۱/۲/۱۱۴

صفحه ۱

کتابخانه انبیین طالقانی و زمانه ما

پس از عرض سلام، حضور استاد معظم جناب آیت الله طالقانی

هما نظر میکنم که استاد بزرگوار مطلع میباشند، وجود کین ارتش بزرگ با این پرسنل عظیم، فقط جهت دفاع از مملکت نبوده، مخصوص با توجه به مقالات متعددی که صاحبان نظر در روزنامه جات و سایر رسانه های گروهی منعکس شده اند، احتیاج به شرح و بسط ندارد. فرزندان این آب و خاک را در دو سال تمام در خود حبس میکرد. در حالیکه جهت آموزش ساز و برگ نظامی ۱۲ هفته کافی بود که کودکان ترین سربازان بتوانند با کار اسلحه شخصی خود آشنا گردند.

از وجود این فرزندان عزیز در بهترین سن عمر جهت حفاظت از کائنات و قصور و سرمایه های شخصی گرفته تا قبرستانهای اختصاصی بیگاری و گماشتگی، بعنوان نگهبان، استفاده میکردید که اصولاً به خدمت سربازی ربطی ندارد، از این فرزندان بعنوان غروستهای گولی جهت انجام حینای ۱۲ آبان، ۹ آبان و ۱۳ آذر و غیره استفاده های نامعقول می نمودند که اگر امروزه قرار گفتو میباشند، ملتوی، و یا من کاغز شود. و بالاخره در آخر دو سال پامغزی که شخصیت آن خرد شده و شلخته ها رده شده بود حتی برخی از سربازان شخصیت خود را از دست داده بودند، با آن برخورد میکرد و اطرافیان بیچاره آنها فامیل آنها، ماها میباید رنج بکشند تا این سرباز خائنه خدمت یافته

توانند شخصیت خود را پیدا کرده، تازه مواجهه با نبودن
شغل و پذیرش در اجتماع میگردید.

بهر حال، بگذریم، مسلماً دولت جمهوری اسلامی در مورد
این خدمت اجباری اقدام صحیح و مؤثری خواهد کرد
و اما اصل قضیه که مربوط به شکل دادن ارتش اسلامی و
تصفیه نمودن آنست که اخیراً بر سر زبانها افتاده است،
من چون خود آدرینوی زمانی شاعلم از این موضوع
مثال با توجه به مدت خدمت و تجربیاتی را که در این زمینه
دارم میتوانم به عنوان *بیه اللوی* مختصر ذکر نمایم، مثلاً
این *اللوی* با نظر صاحب نظران آن مشورت گردد و یک اصل صحیحی
در این مورد پیاده شود.

اصولاً این نیرو از دو قسمت تشکیل شده است:

۱- قسمت رزمی، ۲- قسمت پشتیبانی.

پیش از آنکه در این دو قسمت صحبت کنم بخواهم موضوعی را
سخن بگویم بر شما روشن گردد که چرا مسئله پشتیبانی در ارتش
پیدا شده است؟

رئیس سابق برای اینکه در مملکت کسی نتواند اظهار وجود
کند، دولتی در دولت پیاده نمود یعنی قسمت پشتیبانی که
مرکب از *ها* قسمت:

بهداری، سر رشته داری، مهندسی، مخابرات و ترابری بود

بیشتر این را بعد از انقلاب نظامی در ارتش داشته ایم.

برای مواقع حساس که اگر واحدی فنی در کشور مرتکب
گناه شد و خواست اعتصاب کند و حق خود را خواست در ادا
شاید، فوری از واحدهای پنجگانه خود را جانشین آنها نموده
و حقوق آنان را ذایل مسکند و باین نتیجه اعتصاب، خود بخود
از بین میرفت و بعد پای ساواک و سند اطلاعات و غیره،
خود بخود برقیه کارها را پیاده می نمود اما اینکه در
برنامه ده ساله برخورد های با اعتصاب راسترگان، تا کسی را نان،
مغایرات کشور و اعتصاب معالین را کشیم که از این قدرت
بطور مؤثری سوء استفاده شده است.

البته هر دستگاهی دارای عیبی است و محاسنی را هم دارا میباشد.
آنکون که این دستگاه طاعون سقوط کرده است از این
قدرت های پنجگانه میتوان تحت شرایط و محاسبات حساب شده ای
با تجربه و تجزیه و تحلیل متخصصین مربوطه اخبار ابادار است
تحقیق خود اعزام و سرنگزاد.

من بطور مثال اخباری را در «طالقات روزانه ما»

بهداری نیروی زمینی که مرتکب از تعدادی بیمارستانها و در مانگاهها
و پزشک و نرس، بهیار و غیره میباشد، میتوان با اداره بهداشت و بهداشتی
مملکت منتقل نمود.

فرا، این اداره بهداشت و بهداشتی در تمام مناطق کشور، شعبه و
اداره داشته، میتواند پذیرش بیماران را مثال تمام معیشتان -

بیمار، اعم از نظامی و غیر نظامی بستری و درمان نموده و تحت
مراقبت خاصه و مراقبتی مریزان را که در سربازخانه ارتش اسلامی خدمت
میکند، بستری و درمان نماید، زیرا، این اداره در تمام مراکز
استان، در تمام مراکز شهرستانها، حتی در بخشها و دهاتی که شاید
ارتش در آنها وجود ندارد، ایستگاه درمانگاه، بیمارستان، مراکز درمانی
دارند.

این اصل اگر انجام نگردد، اختلاف بین لشتری و کشوری نیز
خود بخود از بین خواهد رفت، زیرا در همان افاق که بیمار کشوری
خواهید است، برادر وی بیمار لشتری نیز بستری است.
پزشکی که آنها را درمان میکند بعنوان بیمار، درمان می نماید،

پس بالاچاره اختلافات خود بخود از بین رفتنی است.

در مثال دوم، ترابری را بعنوان مثال یاد می کنیم.

با توجه با اینکه در عمل و تجربه مشاهده شده است که

ارتش هم در زمان عملیات و چه در زمان مانورها خود را محتاج
به خود و حامی کشور و کاروانها می بیند و جهت حمل و نقل

هم اکنون نیز از مقاطعه کاران و کاروان داران مملکتی استفاده -

میکند چون در زمان جنگ تمام امور را یکپارچه میکردند،

لغت نظامی باینها مشکل را حل نمیکند.

میتوان ترابری ارتش را به ترابری اداره راه واگذار نمود.

و در مواقع احتیاج، اداره راه و سایر اداره محلی که در گوشه و کنار کشور میتوانستند احتیاجات ارتش را چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ حل کنند.

یا اداره مخابرات ارتش که اکنون خود یک دستگاه مستقل در اداره مخابرات کشور است، با داشتن این گونه مقدورات که با هر تلفنی در هر نقطه ای از ایران میتوان با نقاط دنیا تماس گرفت، پس وجود یک دستگاه بیسیم یا وجود تلفنچی یا، مخابراتچی خاص در ارتش معنی ندارد.

میتوان این دستگاه را نیز با اداره مخابرات کشور منتقل نمود و از این پرسنل در مواقع لزوم برای ارتش استفاده کرد.

یا فرض بفرمایید اداره مهندسی که خود تعدادی متخصصین بیکار فعلاً در ارتش باقی گذاشته است این متخصصین را میتوان

با ادارات شهرسازی، مسکن، ادارات قنای راه و مسافران و غیره منتقل کرد. طبق استفاده از تخصص و فنون آنان در مملکت

از همین ادارات، مشکلات و مسافرانها و راه و مطالبی را که مربوط به ارتش است، تحت تیر الگو، تحت یک شرایط خاص حل شود.

پس بطور کلی میتوان بگویم این واحدهای پنجگانه قنای را که روزی دولت در دولت بود، الآن از تخصصهای آنها برای احتیاج استفاده کرد.

اما قسمت دو برنامه که، یک مسئله رزمی است، با توجه به
 شکل فعلی برنامه که گردانهای رزمی نیروی زمینی
 اعزامی پیاده، پیاده زرهی، سواره زرهی، زرهی، توپخانه
 مهندسی، موشک انداز، مهندسی و غیره که لیست آن
 هم آلتون در خود نیروی زمینی موجود است.

این را بنحوی میتوان بررسی و تجزیه و تحلیل کرد.

در هر گردان، با آن سرباز و نصف بقیه آن از افسر
 و رتبه دار مختص آن واحد سازمان داده شده است.

اگر به برنامه های آموزشی آن توجه کنیم خواهیم دید

که قسمت اعظم وقت دو ساله سرباز فقط برای بچپ چپ،

پراست، راست، عقب گرد، قدم آهسته و غیره که اسم آنها

انضباط گذاشته اند و این وقت عزیز هر رفته است

و برای آموزش اینگونه سربازان فقط همان ۱۱ هفته کافی

است که سازمان بزرگ مربوط به مختصی خود را بدین

مختص این قسمتهای رزمی فراگیرند، در این گردانها،

تشکیل از فرماندهی گردان و معاونان مربوطه، فرماندهان گروهانها و

معاونان مربوط به آنها، فرماندهان دسته و معاونان مربوطه

بآنها، با اتمام سرگروهانها و گروهانان دسته و تعدادی

بیکار، بعنوان اسلحه دار، انبار دار، دفتر دار و غیره کاری

انجام ندارد فقط، وقت گذرانی می نمایند، صبحگاه،

ظاهر شده، خود را نشان میدهند و شامگاه ظاهر شده،
 روز راتجا میکنند، در آخر ماه بقول معروف حقوق میگیرند.
 کار فرماندهان فقط افاده گرفتن، امضاء کردن زیر اوراق،
 ایست خبردار گرفتن، ایست خبردار دادن، که خود در نگاه
 طاعونی اسم اینگونه برنامه ها را کاغذ بازی گزارش کرده
 آن کسی که آموزش سلاح میدهد، تعدادی نظامیان
 متخصص رزمی هستند که در هر واحد مشخص اند،
 چنانچه این افراد انتخاب میشوند، چون بعنوان معلم به
 سربازان آموزش میدهند، جوانان مملکت را هدایت میکنند،
 بعلاوه معلومات خود مورد احترام قرار خواهند گرفت، پس
 درجه، کدوم مقام معنی خود را، در ارتش اسلامی از دست
 میدهد، یعنی کیکه مسلسل در دست میدهد چه سروان باشد
 چه ستوان، امتیاز و گروه بان، نوع در دست دادن فرق نمی کند.
 آموزش مسلسل است، فقط مسئله سواد و معلوماتی دارد که
 مورد توجه قرار میگیرد.

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

چون مدت آموزش محدود نبوده، و وقت سرباز گرفته
 نمی شود و سرباز بجای آنکه درسی یاد بگیرد و اسلحه سازمانی
 خود را بشناسد، عملاً بجای تمرین در سربازخانه ها تمام مردم
 مملکت خواهند توانست آموزش نظامی را یاد بگیرند و چون
 این گروه بان و این افسر معلم مسلسل است، دیگر احتیاج به
 افسار دار، اسلحه خانه دار و بازمانهای مختلفه نخواهد داشت.

بالا چپار حجم پرسنل بهیوره کم شده، آنهارا سازمانهای مختلفه
خواهد داشت، بالا چپار حجم پرسنل بهیوره کم شده، آنهارا میتوان
به مشاغل دیگری با گذراندن دوره های کوتاه مدت یا
بلند مدت به تخصصهای مختلفه اضافه نمود و در ادارات
دیگر بکار گرفت.

اصولاً همانطوریکه امام مسجد شدن حقوق و مزایا ندارد
سربازی نیز نباید شغل باشد، اگر سرباز مسجد میزد میگرد
حجرات ایشان که مسجد را تعمیر و حفاظت میکنند پس انگیزه
افراد که معلم سربازخانه هستند، در حقیقت به سرباز
مسجد میبایست که بایستی باندازه احتیاج آن و باندازه سوار
و کاری که از آنها گرفته میشود بآنان حقوق و گذار کرد،
پس تا مدت تکیه، یک مدت کوتاه مردم ایران خود بخود آموزش
نظامی را از انگیزه معاش در شهرها، در استانها، در مراکز
تعلیمات یاد میگیرند و تمام ملت ایران، خود بخود یکپارچه
سرباز میگردد، کتابخانه آنلاین «طالبانی و زمانه ما»
این طرح علاوه بر اینکه ارتش را تصفیه و مرتب میکند، باعث
تقویت روحیه متخصصین میگردد.

سربازانی که جهت آموزش نظامی به سربازخانه ها میروند
با افتخار این خدمت به میهن رایاد میگردند و به مملکت
اسلامی خود در هر شغل و مقامیکه بایست خدمت می نمایند، همانطوریکه
عملاً، پیامداران انقلاب این واقعیت را از خودشان دارند.

مسلماً هم ارتش تصفیه گردیده، هم ارتش تغییر پیدا کرده و هم
نیایری حسره، مسلماً با محاسباتی با متخصصین و صاحب نظران
نیروهای دیگر مثل نیروهای دیگر مثل نیروهای دیپلماتی، هوایی و
پلیس و ژاندارمری و غیره بررسی شود، آنجا نیز همین
ترتیب یا ترتیبات دیگری که متخصصین مربوطه،
پیشنهاد میکنند، مورد تصفیه قرار گرفته و عملاً ارتش ملی
املائی خود بخود بوجود خواهد آمد و از اینک در آن
کنفرانس مربوطه که در تلونیون آن مقامات فرموده اند
که یک سرباز را میتوان بجای فرماندهی ارتش و یک پادشاه
را بجای فرمانده شهریاری گذاشت خوب نشان میدهد.
نیز، در اینجا تخصصها است که ارتش ها را بوجود میآورند و
تخصصها است که سربازخانه های مدرن را میسازد
آموزش میدهد.

کتابخانه آنلاین «طالبانی و زمانه ما»

مرکز دکتر حاج سید علی سرپرست (کرب و خوار)

عزمی از این مکتب آگاهی نماید و چون ممکن بود نامش و معنای شعر را نیز
فراهم نماید و معنای و نهایت را محفوظ داشته باشد و در این امر خیر و برکت فراوان

المجلس العالي
الذي يترأسه
السيد محمد باقر
الحسيني
في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٨٠